



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
الصلوة  
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# رسم الخط كريا

از كرىلا بىدا تىم و بىيا موزىم



كىنام مىسابىقە

رەسۋال خىت كرىلا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رسم خط کربلا

نویسنده:

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	رسم خط کربلا
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست
۱۴	فضائل و عظمت سیدالشهداء علیه السلام ۱
۱۴	اشاره
۱۵	محبوب قلب ها
۱۵	عزیز دُرَدانه پیامبر
۱۶	حسین جوان
۱۶	مثل مغناطیس
۱۷	سرور جوانان بهشت
۱۷	بنده صالح
۱۸	گل بوستان پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۸	مصباح الهدی
۱۹	عبد خالص
۱۹	مثل خورشید
۱۹	حسین مین
۲۰	پیوند عرفان و حماسه
۲۰	سه صفت ممتاز و برجسته
۲۱	تأالله
۲۲	چرایی و دلایل قیام ۲
۲۲	اشاره
۲۳	جاری شدن کوثر دین
۲۳	بیان منزلت و ضرورت فداکاری برای ارزش ها
۲۴	خطر زوال دین
۲۵	خطر خاموشی نور اسلام
۲۵	اصلاح و ریشه کنی فساد
۲۶	برافراشتن پرچم های دین
۲۶	تجدید بنای نظام اسلامی
۲۷	عمل به احکام و سنن الهی
۲۷	قیام علیه ظلم و بیداد
۲۸	امر به معروف و نهی از منکر
۲۹	بیدارگری وجدان ها
۳۰	احیای حق
۳۱	واجب بودن قیام در برابر انحراف
۳۲	سست شدن پایه های حکومت فاسد
۳۳	حفظ محور امامت
۳۴	الگوسازی برای قیام
۳۵	ترسیم تکلیف

۳۶	..... دستاوردها و برکات قیام سیدالشهداء علیه السلام ۲
۳۶	..... اشاره
۳۷	..... درمان انحراف
۳۷	..... نقطه ی آغاز حرکت ها
۳۸	..... حیات ابدی اسلام
۳۹	..... بیمه دائمی دین
۳۹	..... حفظ محتوای دین
۴۰	..... مشعل اسلام، بر فراز مناره های تاریخ
۴۰	..... موج های حرکت
۴۱	..... عاشورا، رمز ماندگاری دین
۴۱	..... بقای خط توحید
۴۲	..... سر پا ماندن خیمه اسلام
۴۲	..... آموزش بالندگی در پرتو جهاد و شهادت
۴۳	..... پیروزی خون بر شمشیر
۴۳	..... بقای نام و یاد اسلام
۴۴	..... حفظ ارزش ها
۴۵	..... فعالیت های سازمان یافته ی شیعه
۴۵	..... جوشش سیلاب شهادت
۴۸	..... درس ها و عبرت ها ۴
۴۸	..... اشاره
۴۹	..... تفاوت درس و عبرت
۵۰	..... صحنه عبرت
۵۱	..... درس دفاع از دین
۵۱	..... سرمشق مقاومت
۵۲	..... افزایش معرفت و شناخت
۵۲	..... خطر میکروب ها
۵۳	..... خطر تهی شدن جامعه از ارزش ها اگر مراقبت نباشد، آن وقت جامعه همین طور به تدریج از ارزش ها تهی می شود و به نقطه ای می رسد که فقط یک پوسته ظاهری باقی می ماند. ناگهان یک امتحان بزرگ پیش می آید - [مئل] امتحان قیام اُبی عبد الله - آن وقت این جامعه در این امتحان
۵۳	..... نترسیدن از غربت
۵۴	..... پرهیز از دو عامل گمراهی
۵۵	..... حفظ روحیه ی انقلابی
۵۶	..... بصیرت و روشن بینی
۵۷	..... اهتمام بر دشمن شناسی
۵۷	..... پیروی از رهبر
۵۸	..... هزینه دادن در راه پاورها
۵۸	..... درس حرکت و قیام
۵۹	..... زمان شناسی
۵۹	..... درس اقدام و نهراسیدن
۶۰	..... پرونده ی ویژه ۵
۶۰	..... اشاره
۶۱	..... انقلاب اسلامی؛ ادامه سلسله عاشورا
۶۱	..... هدف مشترک قیام

۶۲	.....	انقلاب، دنباله قیام عاشورا
۶۲	.....	کرپلا، روح نهضت انقلاب ایران
۶۳	.....	نقش ماندگار کرپلا
۶۳	.....	خط مبارزه
۶۳	.....	کرپلا، سرمشق همیشگی
۶۴	.....	عاشورا، عامل پیروزی
۶۴	.....	کرپلا، الهام بخش حرکت
۶۵	.....	طوفان ماندگار، از کرپلا تا ایران
۶۵	.....	بر افراشتن پرچم شوکت و عزت
۶۵	.....	مقاومت در برابر قدرت های شیطانی
۶۶	.....	امامت آری، سلطنت خیر
۶۶	.....	مقاومت آگاهانه
۶۷	.....	انقلاب، پاسخ به «خل من ناصر» حسین علیه السلام
۶۷	.....	عاشورا، انگیزه ی حرکت و تلاش انقلابی
۷۰	.....	مسابقه
۷۸	.....	دریاره مرکز

**رسم خط کربلا**

**مشخصات کتاب**

رسم خط کربلا

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت

فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول/ تابستان 1396

شمارگان: 50000 نسخه

قیمت: 5000 تومان

غیرقابل فروش/اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار 15 خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی.

تلفن: 025-38187156

ص: 1

**اشاره**



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 2

از کربلا بدانیم و بیاموزیم

اشاره... 4

فضائل و عظمت سیدالشهداء علیه السلام... 7

چرایی و دلایل قیام... 15

دستاوردها و برکات قیام سیدالشهداء علیه السلام... 29

درس ها و عبرت ها... 41

پرونده ی ویژه... 53

پرسشنامه... 63

ص: 3

یکی از مهم ترین امتیازات جامعه شیعه، این است که جامعه شیعه برخوردار از خاطره عاشورا است. از همان روزی که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی علیه السلام مطرح شد، چشمه ی جوشانی از فیض و معنویت در اذهان معتقدین و محبتین اهل بیت علیهم السلام جاری گشت. این چشمه ی جوشان، تا امروز همچنان ادامه و جریان داشته است؛ بعد از این هم خواهد داشت و بهانه آن هم یادآوری خاطره عاشورا است. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمی کند، بلکه روز به روز برجسته تر می کند؟ آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پر از دشمنان، حسین بن علی علیه السلام و یارانش به شهادت می رسند، خانواده اش اسیر می شوند و آنها را می برند و تمام.

امروز بعد از گذشت قرن ها، همان حادثه ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمی ماند و یادی از آن نمی شد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیون ها

شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین بن علی علیه السلام مثل خورشیدی می تابد؛ دل ها را روشن می کند، راهنمایی می کند. این که گفتند: «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلِّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» به معنای این است که زمان می گذرد، اما حوادث جاری در زندگی بشر، حقایق آفرینش دست نخورده است. در هر دوره ای انسان ها نقشی دارند که اگر آن نقش را به درستی، در لحظه مناسب، در زمان خود ایفا کنند، همه چیز به سامان

خواهد رسید، ملت ها رشد خواهند کرد،

انسانیت گسترده خواهد شد.

نوشتار حاضر، نگاهی است به برخی از ابعاد این حادثه عظیم برای فراگیری آموزه ها و درس های زندگی، تا با تأسی به این شخصیت نورانی و محبوب، سبک زندگی خدایسندانه و متعالی را بیاموزیم و خود را در

روشنان این نور، نورانیت و معنویت ببخشیم.

ص: 5





در خانه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و در محیط زندگی این بزرگواران، این وجود عزیز خصوصیتی داشته و مورد محبت و عشق ورزیدن بوده است.

### عزیز دُرْدانه پیامبر

در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام عبارت است از کودک نور دیده ی سوگلی پیامبر.

عزیزترین عزیزان؛ کسی که رئیس دنیای اسلام، حاکم جامعه اسلامی و محبوب دل همه مردم، او را در آغوش می گیرد و به مسجد می برد. (1) همه می دانند که این کودک، محبوب دل این محبوب همه است. او روی منبر مشغول خطبه خواندن است که این کودک، پایش به مانعی می گیرد و به زمین می افتد. پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر پایین می آید، او را در بغل می گیرد و آرام می کند. (2)

ص: 8

---

1- مستند احمد، ج 3، ص 226.

2- بحار الانوار، ج 43، ص 295.

حسین جوان؛ بالنده، عالم و شجاع است. در جنگ‌ها شرکت می‌جوید، در کارهای بزرگ دخالت می‌کند، همه او را به عظمت می‌شناسند. نام بخشندگان که می‌آید، همه چشم‌ها به سوی او بر می‌گردد. (1) در هر فضیلتی، در میان مسلمانان مدینه و مکه، هر جایی که موج اسلام رفته است، مثل خورشیدی می‌درخشد. همه برای او احترام قائل‌اند. خلفای زمان برای او و برادرش احترام قائل‌اند و در مقابل او، تعظیم و تجلیل و تبجیل می‌کنند و نامش را به عظمت می‌آورند. (2) جوان نمونه‌ی دوران و محترم پیش همه.

### مثل مغناطیس

نام حسین بن علی علیه السلام نام عجیبی است. خصوصیت اسم آن امام در بین مسلمین بامعرفت، این است که دل‌ها را مثل مغناطیس و کهربا به خود جذب می‌کند. خدای متعال در نام امام حسین علیه السلام اثری قرار داده است که وقتی اسم او آورده می‌شود، بر دل و جان ما ملت ایران و دیگر ملت‌های شیعه، یک حالت معنوی حاکم می‌شود.

ص: 9

---

1- الارشاد، ج2، ص7.

2- الامالی، شیخ طوسی، ص703؛ بحار الانوار، ج30، ص51.



## سرور جوانان بهشت

امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، سرور جوانان بهشت (1) دو امام بزرگوار و دو معصوم، تربیت شده ی دامان حضرت فاطمه علیها السلام هستند.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسن و امام حسین شش، هفت ساله فرمود: «سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ (2) اینها سرور جوانان بهشتند. اینها که هنوز کودکند، جوان نیستند، اما پیامبر می فرماید سرور جوانان اهل بهشتند؛ یعنی در دوران شش هفت سالگی هم در حد یک جوان است؛ می فهمد، درک می کند، عمل می کند، اقدام می کند، ادب می ورزد و شرافت در همه وجودش موج می زند.

## بنده صالح

حسین علیه السلام یک انسان است؛ اما انسان فوق العاده، بنده ی صالح و شایسته. وقتی انسانی آماده است برای خدا حتی طفل شش ماهه اش را در مقابل چشمش ذبح کنند، این اوج انسانیت است.

ص: 10

---

1- مسند احمد، ج 3، ص 3؛ الامالی، شیخ طوسی، ص 312.

2- الامالی، شیخ طوسی، ص 312.

## گل بوستان پیامبر صلی الله علیه و آله

حسین بن علی علیه السلام، یکی از گل های اولین روزگاران تشکیل حکومت اسلامی بود. او و برادرش جزو اولین گل هایی بودند که در این گلستان رویدادند. با رویدادن آنها، چشم پیغمبر صلی الله علیه و آله روشن شد و دیدگان نافرمان رسول الهی در آینه تاریخ دید که این مولود، با خون خود و با مقاومت و محو شدنش در هدف و با بیرون آمدنش از همه حیثیات شخصی، رسالت او را حفظ خواهد کرد و انقلاب اسلامی را تا ابد بیمه خواهد کرد؛ و همین طور هم شد. حسین بن علی علیه السلام اسطوره مقاومت بود و به شهادت آبرو داد.

### مِصْبَاحُ الْهُدَى

این جمله ای که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: « إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاوِ؛ [\(1\)](#) یعنی حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است»؛ ویژه همه زمانهاست، اما در بعضی از زمان ها یک ظهور و تجلی بیشتری پیدا می کند.

ص: 11

---

1- المنتخب، للطریحی، ج 1، ص 198.

## عبد خالص

وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام اگر چه بیشتر با بُعد جهاد و شهادت معروف شده، لیکن آن بزرگوار در حقیقت مظهر انسان کامل و عبد خالص و مخلص و مخلص برای خداست. اساساً جهاد واقعی و شهادت در راه خدا، جز با مقدمه ای از همین اخلاص ها و توجه ها و جز با حرکت به سمت «إنقطاع إلى الله» حاصل نمیشود.

## مثل خورشید

نه فقط ما انسان های خاکی حقیر و ناقابل، بلکه همه عوالم وجود، ارواح اولیا و بزرگان و

فرشتگان مقرب، محتاج پرتوی از انوار حضرت اَبی عبدالله علیه السلام هستند و در تمام عوالم تو در توی وجود - که برای ما روشن و آشنا هم نیست - نور مبارک حسین بن علی علیه السلام مثل خورشید می درخشد.

## حسین من

حرکت نبوی و حرکت حسینی، مثل دایره متحدالمركز هستند؛ به یک جهت متوجه اند. لذا اینجا «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (1) معنا پیدا می کند.

ص: 12

## پیوند عرفان و حماسه

شخصیت درخشان و بزرگوار امام حسین علیه السلام دو وجه دارد: یک وجه، همان وجهی جهاد و شهادت و توفانی است که در تاریخ به راه انداخته و همچنان هم این توفان با همه برکاتی که دارد، برپا خواهد بود؛ یک بُعد دیگر، بُعد معنوی و عرفانی است که بخصوص در دعای عرفه به شکل عجیبی نمایان است. شاید بشود با یقین گفت که همین معنویت و عرفان و توسل و فناء فی الله و محو در معشوق و ندیدن خود در مقابل اراده ذات مقدس ربوبی است که ماجرای عاشورا را هم این طور با عظمت و پرشکوه و ماندگار کرده است.

## سه صفت ممتاز و برجسته

مردم ما، الگوهای بزرگ و درخشانی در جلوی چشم خود دارند. از جمله بزرگترین آنها،

حضرت أباعبدالله علیه السلام، پیشوای مسلمین و فرزند پیامبر و شهید بزرگ تاریخ است. برجستگی وجود أباعبدالله علیه السلام دارای ابعاد است، ولی اگر دو، سه صفت برجسته را در میان همه این برجستگی ها اسم بیاوریم، یکی از آنها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه های مادی در کار. صفت برجسته دیگر، «اعتماد به خداست.» و خصوصیت سوم، شناختن «موقع» و زمانشناسی است.

ص: 13

در همه ی آثار اسلامی، دو نفر را داریم که از آنها به «ثارالله» تعبیر شده است. در فارسی،

یک معادل درست و کامل برای اصطلاح عربی «ثار» نداریم. «ثار»، یعنی حقّ خونخواهی. اگر کسی «ثار» یک خانواده است، یعنی این خانواده حق دارد درباره ی او خونخواهی کند.

در تاریخ اسلام از دو نفر اسم آورده شده است که صاحب خون اینها و کسی که حق

خونخواهی اینها را دارد، خداست. این دو نفر یکی امام حسین علیه السلام است و یکی هم پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام؛ «يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ»<sup>(1)</sup> پدرش امیرالمؤمنین هم حقّ خونخواهی اش متعلّق به خداست.

ص: 14

---

1- کامل الزیارات، ص 406؛ بحار الانوار، ج 98، ص 360.



## جاری شدن کوثر دین

هدف این حادثه چه بود؟ هدفش «حسینٌ منی وَاَنَا مِنْ حُسین» بود. یعنی دین خدا و کوثر جاری الهی باید از این سرچشمه روان شود و در طول تاریخ بماند. اگر نهضت حسینی نبود، اسلام نبود. این تکان و زلزله‌ی شدید توانست اثر خودش را بگذارد و مسیر تاریخ را تعیین کند. البته مثل همه‌ی حوادث دیگر، این حادثه یک آثار کوتاه مدت داشت؛ یک آثار بلندمدت. آثار بلندمدت این است که امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام آمدند و بر این پایه، دین خدا را در این پهنه‌ی وسیع گسترده کردند.

## بیان منزلت و ضرورت فداکاری برای ارزش‌ها

یک مسئله در دنیا برای همه متفکران، همه مصلحان، همه آزادگان عالم در طول تاریخ مطرح بوده و آن مسئله، ارزش‌هایی هست که از خود زندگی، ارزش آن والاتر است. زندگی کردن و در دنیا بهره مند شدن، ارزشمند است و نباید زندگی را، آسایش را، رفاه و تنعم را به آسانی از دست داد. مردم دنیا دنبال این چیزها در زندگی می‌گردند و می‌دوند: رفاه، پول، تنعم، آسایش فرزندان، راحتی خانواده، بیخیالی و بی‌غمی. اما ارزش‌هایی در زندگی وجود دارد که این تنعمات را، حتی اصل زندگی را باید فدای آن کرد.

در دوران زندگی حسین بن علی علیه السلام یک نظام فاسد به تمام معنا بر سر کار بود؛ هم در حق ضعفا ظلم می شد، هم ارزش های انسانی از بین رفته بود، هم دین خدا - که بهترین چارچوب برای تأمین عدالت اجتماعی است - به کلی فراموش شده بود؛ زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله پایمال شده و جامعه به کلی گمراه شده بود. در این شرایط، یک وظیفه بزرگ و سنگین بر سر راه هر انسان آزاده و بزرگ منش و مسلمان واقعی وجود داشت... این، مسئله ی دوران امام حسین علیه السلام بود.

## خطر زوال دین

در مقطع حساسی این حادثه اتفاق افتاد که اگر این اتفاق نمی افتاد، طومار دین به کلی درهم پیچیده میشد؛ هر کسی شرایط دهه های چهارم، پنجم و ششم هجری را در تاریخ خوانده باشد و بداند یزید که بود و مطلع شود در آن روز در مدینه و مکه - که مَهَبَط وحی خدا بود و بوی پیغمبر صلی الله علیه و آله هنوز از آن در و دیوارها به مشام اهل دل می رسید، - چه فساد می گذشت و دین در چه وضعیتی قرار داشت، می فهمد اگر حسین بن علی علیه السلام اقدام نمی کرد، در جهان اسلام یک نفر نبود به مقابله با کفر و فساد و ظلم و طغیانی که زیر نام خلیفه رسول الله بر مردم حکومت می کرد، اقدام کند. این وضعیت همین طور می ماند و از دین هیچ خبری نمی ماند. اگر قیام حسین بن علی علیه السلام نبود، تمام زحمات پیغمبر صلی الله علیه و آله و جنگ های اُحُد و خیبر و زحمات امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام، همه از بین می رفت.



## خطر خاموشی نور اسلام

حسین بن علی علیه السلام وقتی به شهادت رسید که اسلام مثل شمعی که رو به خاموشی باشد، لحظات آخرش را می گذراند. اسلام را به اینجا رسانده بودند.

وقتی امام حسین علیه السلام قیام کرد، کار به آن منتها درجه رسیده بود. اسلام واقعاً مثل همان شعله بود که دیگر آخرین نفس هایش را می گذراند که چند لحظه دیگر خاموش خواهد شد. امام حسین علیه السلام آنچه را باید در راه خدا بدهد، نثار کرد و رفت، اما همین بود که اسلام را زنده کرد. امروز اسلام به خون حسین بن علی علیه السلام زنده است.

## اصلاح و ریشه کنی فساد

امام حسین علیه السلام هدف اول خود را این قرار می دهد: «وَنُظْهِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكُمْ»؛ در میان کشور اسلامی، فساد را ریشه کن کنیم و اصلاح به وجود آوریم. اصلاح یعنی چه؟ یعنی نابود کردن فساد. فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است، خیانت فساد است، وابستگی فساد است، زورگویی فساد است، انحراف های اخلاقی فساد است، انحراف های

مالی فساد است، دشمنی های بین خودی ها فساد است، گرایش به دشمنان دین فساد است، علاقه نشان دادن به چیزهای ضدّ دینی فساد است.

## برافراشتن پرچم های دین

«وَلَكِنْ لِّتَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ»؛ (1) پرچم های دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخصهها را به چشم آنها بیاوریم. شاخص ها مهم است. همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می کند و راه را عوضی نشان می دهد. اگر بتواند بگوید «دین را کنار بگذار»، این کار را می کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مُضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می کند که نشانه های دین را عوضی بگذارد؛ مثل اینکه شما در جاده ای حرکت می کنید، ببینید آن سنگ نشان - آن نشانه ی راهنما - طرفی را نشان می دهد؛ در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است.

## تجدید بنای نظام اسلامی

امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت است از تجدید بنای نظام و جامعه ی اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه ی اسلامی، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه ی حکومت می رسد؛ امام حسین علیه السلام برای این آماده بود. گاهی هم به نتیجه ی شهادت می رسد؛ برای این هم آماده بود.

ص: 19

## عمل به احکام و سنن الهی

امام حسین علیه السلام می فرماید: «وَيَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ». هدف آن بزرگوار اینهاست. این کلام امام حسین علیه السلام است؛ یعنی امام حسین علیه السلام جان خودش و جان پاکیزه ترین انسان های زمان خودش را فدا می کند، برای اینکه مردم به احکام دین عمل کنند. چرا؟ چون سعادت، در عمل به احکام دین است؛ چون عدالت، در عمل به احکام دین است؛

چون آزادی و آزادی انسان، در عمل به احکام دین است. از کجا می خواهند آزادی را پیدا کنند؟! زیر چتر احکام دین است که همه ی خواسته های انسان ها برآورده می شود.

## قیام علیه ظلم و بیداد

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ»؛ آیا نمی بینید به حق عمل نمی شود. «وَأِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ»؛ و از باطل پرهیز نمی شود؟ این همان لب مرام و نظر حسین بن علی علیه السلام است؛ یعنی می بینید جامعه اسلامی از آن وضع صحیح و حقیقی خودش دور افتاده و می بینید حق مورد عمل نیست، اما باطل مورد عمل است. در اینجا چه باید کرد؟ «لِيُرْغَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُجْتَبَأً»؛ مؤمن حق دارد به لقای پروردگار و دیدار پروردگارش بشتابد.

«فَاتِي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً»؛ من مرگ را غیر از سعادت نمی یابم. «وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»؛ و زندگی با ستمکاران و در کنار ستمکاران را جز سختی، رنج، ناراحتی و اندوه نمی بینم. (1) [یعنی] وقتی انسان می بیند یک دنیا ظلم در مقابل اوست، وقتی انسان می بیند که ظالمان و ستمگران بر عمده امور مسلط هستند؛ انسان باید آمادگی داشته باشد و با این وضعیت مقابله کند.

### امر به معروف و نهی از منکر

«أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ إِشْرَاءً وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا»؛ (2) یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتچی ها

تبلیغ نکنند که امام حسین علیه السلام هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه خروج می کنند، برای اینکه قدرت را به چنگ بگیرند- برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد- وارد میدان مبارزه و جنگ می شود! کار ما از این قبیل نیست. «وَأَنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْحَابِ فِي أُمَّهِ جَدِّي»؛ عنوان این کار، همین اصلاح است؛ می خواهم اصلاح کنم. این اصلاح از طریق خروج است؛ خروج، یعنی قیام.

ص: 21

---

1- اللهوف، ص 48.

2- بحار الأنوار، ج 44، ص 329.

حضرت می فرماید: من خارج شدم تا اینکه در امت جدّم پیغمبر صلی الله علیه و آله طلب اصلاح کنم؛ یعنی فساد را که در امت پیغمبر به وجود آمده، از بین ببرم. این انحرافی که به وجود آمده را از بین ببرم. «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

یعنی حقیقت و روح این حرکت، امر به معروف و نهی از منکر است. می خواهم نهی از انجام دادن آن بدی بکنم و مردم را به خوبی های اسلام دعوت و امر کنم. این، حقیقت حرکت حسین بن علی علیه السلام است. [به تعبیر دیگر]، این اصلاح، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.

### بیدارگری وجدان ها

«وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكًا»؛ یعنی حسین بنعلی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «وَوَحْيَهُ الضَّلَالَةَ»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده؛ حسین بن علی علیه السلام است.

ص: 22

طرف دیگر قضیه، در فراز بعدی معرفی می شود: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتَهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»؛ (1) نقطه مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی خودشان کرده بود؛ «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است.

## احیای حق

آن روز که حسین بن علی علیه السلام دست عزیزترین عزیزان خود را گرفت و به سوی میدان خطر به راه افتاد، بسیاری تعجب کردند، بسیاری ملامت کردند، بسیاری او را منع کردند، اما آنها نمی دانستند که اگر امام حسین علیه السلام این کار بزرگ را نکند، حق در دنیا زنده نخواند ماند. او فدا شد تا حق زنده بماند.

ص: 23

وقتی قدرتی همه ی امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می گیرد و جلو می رود، اگر مردان و داعیه داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می رسد، بدون اینکه خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آقازادگان بنی هاشم و فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین علیه السلام این را بر نمی تافت؛ لذا قیام کرد.

حرکت امام حسین علیه السلام چنین حرکتی بود. فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّتِهِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بَقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ»؛<sup>(1)</sup> یعنی اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم سرنوشت است. امام حسین علیه السلام می دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد.

ص: 24

حسین بن علی علیه السلام هنگام بیرون آمدن از مدینه و رفتن به سوی مکه، خطاب به برادرش «محمد بن حنفیه»، یک جمله به عنوان وصیت نامه نوشته است: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأَنْ مَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي...»؛<sup>(1)</sup> یعنی این مردم عالم! ای برادرم محمد! ای مردم شهر مدینه! ای کسانی که در اقطار عالم اسلامی تحت سایه ننگین حکومت یزید زندگی می کنید! ای نسل های آینده ی تاریخ انسانیت! بدانید هدف قیام من چه بوده است.

«أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا...»؛ من به انگیزه های مادی بیرون نیامدم؛ من نیامدم تا مانند یزید مقامی بگیرم؛ من قیام نکردم تا

مانند این دنیا طلبان پست، بهره مادی بخوام و خود را برخوردار کنم؛ من به کربلا نمی روم برای اینکه به فکر دنیای مادی خویش باشم.

حرکت من، بیرون آمدن من برای مقصود دیگری است. آن مقصود چیست؟ قیام برای این است که این فساد را که حکومت یزید و اموی به وجود آورده است، نابود کنم. من خود را آماده شهادت و فداکاری کرده ام تا با خون و فداکاری خود، بر روی همه

ص: 25

---

1- «من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدّم از وطن خارج شدم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم.» بحار الانوار، ج 44، ص 329.



تدابیر یزیدی خط بطلان بکشم. من برای این می آیم تا پایه ی فاسد این رژیم و این حکومت را متزلزل کنم.

## حفظ محور امامت

در صدر اسلام، بزرگ ترین و مهم ترین ضربه ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکوم علی بن ابی طالب علیهما السلام به سلطنت شام تبدیل شد! وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی است که بعد

هم حادثه کربلا پیش می آید. آن وقت حادثه ی کربلا حادثه ای نیست که بشود جلوییش را گرفت؛ اجتناب ناپذیر می شود.

[به عبارت دیگر:] اساس حمله و نقشه ی دشمن این است که حکومت را از محور اصلی - محور امامت، محور دین - خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد!

امنیت یافتن ستمدیدگان

«وَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ»؛ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. «مظلومون»، مردمانی هستند که دست و پای ندارند؛ راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف

جامعه و انسان های ضعیف - در هر سطحی و در هر جایی - امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی؛ همین که امروز در دنیا نیست. امام حسین علیه السلام درست نقطه ی مقابل آن چیزی را می خواست که در زمان سلطه ی طواغیت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می کنید، می بینید همین است؛ پرچم های دین را وارونه می کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلوم تر می کنند و ستمگران، پنجه شان به خون مظلومان بیشتر فرو می رود. هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلاب، هدف از هر قدرت اسلامی ای، و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فرایض، احکام و سنن است.

## الگوسازی برای قیام

امام حسین علیه السلام نه قیام کرد برای اینکه به حکومت برسد و نه قیام کرد برای اینکه به شهادت برسد؛ هیچ کدام هدف امام حسین علیه السلام نبود. هدف امام حسین علیه السلام قیام برای ارائه ی یک تکلیف اصولی در بنای کلی نظام اسلامی به مردم بود؛ یعنی عملاً نشان داد هنگامی که اوضاع چنین شد، تکلیف این است. البته وقتی انسان چنین قیامی کرد، یکی از دو نتیجه را خواهد داد؛ یا انسان به حکومت خواهد رسید، یا به شهادت.

هدف این بود که حسین بن علی علیه السلام به دنیای زمان خودش، به مسلمان های به فراموشی افتاده از حقایق اسلامی، و به نسل های آینده نشان دهد که هرگاه شرایط این بود، وظیفه این است. تکلیف، این کاری است که من کردم: خارج شدن، قیام کردن، آسودگی نشناختن، دنبال یاران بیشتر به صورت یک مقدمه حتمی برای انجام عمل نبودن، بلکه جان را کف دست گذاشتن و راه افتادن. اصل، رساندن این پیام است. اصل، نشان دادن تکلیف به صورت مجسم است.

هدف حسین بن علی علیه السلام این بود که این حرکت انجام بگیرد تا اینکه به برکت این حرکت، انسانیت و مسلمانان تاریخ و مسلمانان آن روزگار تکلیفشان را در مقابل چنان وضعی بفهمند و بدانند هنگامی که ظلم و کفر حکومت می کند و نظام اسلامی به طرف فساد و انحراف می رود و این قطار نزدیک است که از خط خارج شود، تکلیف چیست.



وقتی قطار از خط خارج شد، باید نا امید بود؟ آیا می شود آن را به خط برگردانید؟ پاسخ این است که بله! البته کار مشکلی است،

حرکتی می خواهد... و حرکت حسین بن علی علیه السلام یک چنین کاری است. حسین بن علی علیه السلام قطار دین اسلام و جامعه اسلامی را که از خط خود خارج شده بود و داشت می رفت به طرف ماده گرایی و فساد کامل، با قیام خود به حالت اول برگرداند. حکومت اسلامی بعد از او تشکیل نشد، اما رسمیت دین خدا و قرآن محفوظ ماند.

### نقطه ی آغاز حرکت ها

جریان انقلاب های جهانی تاریخ اسلام و انقلاب های بزرگ، از نقطه ی خون این مظلومان آغاز شد. هر جای عالم که نام اسلام رفته، نام حسین علیه السلام به عنوان نمودار اسلام رفته است. شاید به جرأت بتوان گفت کلیه انقلاب هایی که بعد از حادثه عاشورا در طول چند قرن اتفاق افتاد، مستند به حادثه عاشورا بود؛ از آنجا الهام می گرفت و به آنجا استناد پیدا می کرد؛ چنین تأثیر عظیم تاریخی را در روند انقلاب های اسلامی آن زمان داشت. هر روزی که از حادثه کربلا گذشته، انعکاس و اثر این حادثه در عواطف مردم، در وجدان های مردم، در ذهنیات و عقلیات مردم، عمیق تر و ژرف تر شده است.

شخصیت های برجسته وقتی که در راه یک آرمانی به شهادت می رسند، اگرچه که آن جریان یا آن انقلاب را، یا آن جامعه را از یک وجود ذی قیمت با فقدان خودشان محروم می کنند، اما به وسیله فداکاری خودشان و خون و شهادت خودشان، آن جریان را تقویت می کنند. دقیقاً مثل آن چیزی که در مورد همه شهدای بزرگ ما در طول تاریخ اتفاق افتاده و نمونه بارزش عاشورای حسینی است.

شخصیتی مثل شخصیت حسین بن علی علیه السلام با ارزش و ارج غیر قابل تصویری که این شخصیت دارد، فقدان او برای جامعه بشری یک ضایعه جبران ناپذیر است بدون شک؛ اما فداکاری ای که این فقدان از آن طریق پیش آمده، آنقدر بزرگ است که جریانی را که حسین بن علی علیه السلام به او وابسته است، آن جریان را حیات ابدی می بخشد. این خاصیت فداکاری است، خاصیت خون است. وقتی که ادعاها با خون انسان امضا می شوند، صحت آنها برای همیشه ثبت می شود.

وقتی اسلام در بازار معامله خدا، حسین بن علی علیه السلام را خرج می کند، به همان اندازه عایدی و بازده به دست می آورد. آن چیست؟ بقای اسلام تا آخر. حسین بن علی علیه السلام شهید شد و اسلام تا آخر بیمه شد. حسین بن علی علیه السلام شهید شد و ریشه حکومت خاندان اموی و همه حکومت های ظلم، به وسیله شهادت او سست شد.

حکومتی که شما ملت ایران آن را برانداختید، در حقیقت ضربت خورده ی سیدالشهداء علیه السلام عاشورا و هیجان حسینی مردم بود.

## حفظ محتوای دین

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»؛ (1) حسین از من است و من از حسینم، بعضی گفتند من از حسینم یعنی دین من از برکت امام حسین علیه السلام مایه گرفت و ماندگار شد و تضمین بقا یافت؛ اینکه دین پیغمبر صلی الله علیه و آله از قیام امام حسین علیه السلام باقی ماند، در این شکی نیست؛ برای اینکه اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود، این تکلیف به مردم داده نمی شد، آن قیام های دوران بنی امیه و بنی عباس اتفاق نمی افتاد، حرکت پرتپش و شهادت طلبانه و زنده شیعه در تاریخ ادامه پیدا نمی کرد و ذهنیات مردم مسلمان این می شد که هر کس سرکار است، هر کس در رأس حکومت

ص: 32

است، باید از او اطاعت کرد، ولو فاسق و فاجر باشد... و امروز یا هیچ نامی از اسلام نبود، یا اگر بود، نام صد در صد بی محتوایی بود. آنچه این محتوا را نگه داشت، قیام امام حسین علیه السلام بود.

### **مشعل اسلام، بر فراز مناره های تاریخ**

بشر، هرگز شهادتی با این عظمت ندیده بود. حسین بن علی علیه السلام با آن شهادت بی نظیر، مشعل خاموش نشدنی شهادت را بر روی بلندترین مناره های تاریخ مشتعل کرد. این مشعل هم آن روز در آن دنیای تاریک و ظلمانی، و هم در قدم به قدم تاریخ تا امروز و هم امروز که روزگار فجر دوباره اسلام است، همچنان می درخشد؛ هم دل ها را گرم می کند، هم چشم ها را روشن می کند و هم قدمها را به سوی آینده استوار می سازد.

### **موج های حرکت**

شما اگر تاریخ سراسر افتخار اسلام شیعی را می خواندید و می دیدید در شب های سیاه و دیجور حکومت های فرعون، چه در خشندهایی در سکوت تاریک و مُظَلَم آن حکومت ها و چه فریادها و نشانه هایی از حیات در آن گورستانها به برکت خون حسین علیه السلام و موج خون او به وجود آمد، باور می کردید که نقش حسین بن علی علیه السلام هر روز برجسته تر می شود و امروز هم شما در حقیقت گل های روییده از امواج خون حسین علیه السلام هستید.



اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه السلام نمی بود - که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد - در همان قرن اول یا نیمه ی قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی برچیده می شد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهل مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه اسلامی را در آن زمان برآشفته و اسوه و الگویی برای بعدی ها شد، همین حادثه ی عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت.

### بقای خط توحید

بزرگان مشعل دار عدل و داد در تاریخ بشر هنوز زنده اند؛ یعنی آن خطی که آنها برای اثبات و جا انداختن آن، تلاش و مجاهدت می کردند، در زندگی بشر ماند و به صورت یک مفهوم ماندگار و یک درس برای بشر درآمد.

امام حسین علیه السلام، اگرچه خود او به شهادت رسید، اما مجاهدت او برای این بود که خط توحید را، خط حاکمیت الله را، خط دین و خط نجات و صلاح انسان را در میان بشر ماندگار و تثبیت کند؛ زیرا عواملی سعی می کردند که این خط را به کلی پاک کنند.

اگر امام حسین علیه السلام آن کار را نمی کرد، به فاصله اندکی اسلام از بین می رفت. امام حسین علیه السلام در واقع به مثابه آن میخ عظیمی شد که این خیمه طوفان زده را با خون خود نگه داشت.

### آموزش بالندگی در پرتو جهاد و شهادت

حادثه کشته شدن، معمولاً یک حادثه تلخ است. کشته شدن سرداران و رهبران، معمولاً مایه نومییدی است؛ اما تفکر انقلابی شیعی و مکتب آموزش فداکاری و جهاد و شهادت، از چنین حادثه ای که برای همه تلخ است، یک غوغای شور و شغف در دل شیعیان به وجود آورد و از نقطه و واقعه ای که برای همه موجب نومییدی است، سرچشمه جوشان امید را به دل پیروان خود سرازیر کرد.

حسین بن علی علیه السلام و یارانش در دوران اختناق سیاه و تحمل ناپذیر و در مقابل قدرتی جبار و ستمگر، جان خود را فدا کردند. چشم های ظاهربین، حسین و دستگاه حسینی را پایان یافته تلقی کرد؛ اما او مانند بذری که زیر خاک می رود تا دوباره بالنده و پرثمر سر از خاک بیرون بیاورد، مانند نهال و شکوفه ای شاداب، از زیر خاک بیرون آمد و در طول تاریخ تشیع، به همه انسان های مسلمان، به همه آزادگان عالم، امید داد، شور داد، درس داد، خستگی ناپذیری داد، جهاد و شهادت و سرانجام پیروزی داد.

خطاست اگر کسی خیال کند که امام حسین علیه السلام، شکست خورد. کشته شدن، شکست خوردن نیست. در جبهه جنگ آن کس که کشته می شود شکست نخورده است، آن کس که به هدف خود نمی رسد، شکست خورده است. هدف دشمنان امام حسین علیه السلام، این بود که اسلام و یادگارهای نبوت را از زمین براندازند. اینها شکست خوردند، چون اینطور نشد. هدف امام حسین علیه السلام این بود که در برنامه یکپارچه دشمنان اسلام، که همه جا را به رنگ دلخواه خودشان در آورده بودند یا قصد داشتند در آورند، رخنه ایجاد شود؛ اسلام و ندای مظلومیت و حقانیت آن در همه جا سر داده شود و بالأخره دشمن اسلام، مغلوب شود. و این، شد.

### بقای نام و یاد اسلام

هم در کوتاه مدت امام حسین علیه السلام پیروز شد و هم در بلند مدت؛ در کوتاه مدت به این ترتیب که، خود این قیام و شهادت مظلومانه و اسارت خاندان آن بزرگوار، نظام حکومت بنی امیه را متزلزل کرد. بعد از همین حادثه بود که در دنیای اسلام - در مدینه و در مکه - پی در پی حوادثی پیش آمد و بالأخره منجر به نابودی سلسله آل ابی سفیان شد. به فاصله سه، چهار سال، سلسله آل ابی سفیان به کلی برافتاد و از بین رفت.

در دراز مدّت هم امام حسین علیه السلام پیروز شد. شما به تاریخ اسلام نگاه کنید و ببینید چقدر دین در دنیا رشد کرد! چقدر اسلام ریشه دار شد! چگونه ملت های اسلامی پدیدار شدند و رشد کردند! علوم اسلامی پیشرفت کرد، فقه اسلامی پیشرفت کرد و بالأخره بعد از گذشت

قرن ها، امروز، پرچم اسلام بر فراز بلندترین بام های دنیا، در اهتزاز است.

آیا یزید و خانواده یزید به اینکه اسلام اینطور، روز به روز رشد کند راضی بودند؟ آنها می خواستند ریشه ی اسلام را بکنند؛ می خواستند از قرآن و پیغمبر اسلام، اسمی باقی نگذارند. اما می بینیم که درست به عکس شد.

### حفظ ارزش ها

همین حرکت، اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزش ها در جامعه پایدار

بشوند، بمانند. اگر این خطر را نمی پذیرفت، حرکت نمی کرد، اقدام نمی کرد، خونس ریخته نمی شد، آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی آمد، این واقعه در تاریخ نمی ماند. این حادثه ای که می توانست جلوی آن انحراف عظیم را بگیرد، باید به همان عظمت، آن انحراف در ذهن جامعه و تاریخ، شوک ایجاد می کرد و کرد. این فداکاری امام حسین علیه السلام است.

ص: 37

## فعالیت های سازمان یافته ی شیعه

پس از واقعه کربلا و شهادت امام علیه السلام، فعالیت سازمان یافته ی شیعیان در عراق به مراتب منظم تر و پُر تحرک تر شد و این تأثیری بود که حالات روانی شیعیان کوفه-که بسیاری از آنان در برابر ضربه دستگاه خلافت یزید، غافلگیر شده و نتوانسته بودند خود را به صحنه عاشورا برسانند- آن را ایجاد کرده بود و سوز و تأسف و درد ایشان به آن رنگ و جلا داد.

## جوش سیلاب شهادت

او [حضرت زینب علیها السلام] می دانست خاطره ی آن خون جوشنده، سیلاب شهادت و فداکاری را در طول تاریخ، در سرزمین دل انسان های مسلمان به راه خواهد افکند، و افکند. از روز دهم-عاشورا- این موج خروشان همچنان در طول تاریخ ادامه داشته است.

بر اثر خون شهیدان، قدرت های طاغوتی بسیاری سرنگون شد. قدرت طاغوتی بنی امیه و قدرت های بسیاری از بنی عباس، با تکان شدید این طوفان بنیان افکن ستم، به کلی نابود و ویران شد. حکومت های بسیاری در سرزمین های اسلامی پدید آمد و اسلام ماند. تشیع به عنوان رگه ی پُر تپش و هیجان آفرین اسلام باقی ماند. هرچه حکومت های طاغوتی در توان داشتند، کوشیدند؛ اما از صد سال پیش تا امروز، از روزگار سید جمال الدین اسد آبادی و میرزا حسن

شیرازی- آن علمای بزرگ دین- تاروزگار علمای بزرگی که جنبش مشروطیت را پی ریختند، و تاروزگار میرزا کوچک خان جنگلی- آن روحانی بزرگوار، آن چریک اسلامی و آن بنیانگذار جنبش مسلحانه در ایران- و تاروزگار سید حسن مدرس و شهید نواب صفوی و فداییان اسلام، و تانهضت ملی و تالاله زار خونین پانزدهم خرداد سال 1342، همه جانبض خون حسین علیه السلام بود که می تپید و قلب شهیدان بود که می زد و پیکر عظیم جامعه ی اسلامی را به حرکت و تلاش درمی آورد.

ص: 39







ماجرای امام حسین علیه السلام جدای از یک درس، یک عبرت است. درس آن است که به ما می گوید: این بزرگوار، آنطور عمل کرد. ما هم باید آن گونه عمل کنیم. امام حسین علیه السلام درس بزرگی به همه ی بشریت داده که خیلی با عظمت و در جای خود محفوظ است؛ اما غیر از درس، چیز دیگری وجود دارد و آن عبرت است. عبرت آن است که انسان نگاه کند و ببیند چطور شد حسین بن علی علیه السلام - همان کودکی که جلو چشم مردم، آن همه مورد تجلیل پیغمبر بود درباره ی او فرموده بود: «سَيُّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ (1) سرور جوانان بهشت - بعد از گذشت نیم قرن از زمان پیغمبر، با آن وضع فجیع کشته شد؟! چطور شد که این ائمت، حسین بن علی علیه السلام را جلو چشم کسانی از همان نسلی که دیده بودند که او بر دوش پیغمبر سوار می شد و این حرف ها را از زبان پیغمبر درباره ی او شنیده بودند، با آن وضع فجیع کشتند؟!

این، عبرت است.

مگر شوخی بود که دختران پیغمبر را مثل دختران سرزمین های فتح شده ی غیر اسلامی، بیاورند جلو چشم مردم کوچه و بازار بگردانند و به کسی مثل زینب علیها السلام اهانت کنند؟! چطور شد که کار به اینجا رسید؟ این، همان عبرت است و از درس بالاتر است. این، نگاه به اعماق و ریزه کاری های تاریخ و حوادث است.

ص: 42

غیر از درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت

بگیرد. یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می گویند «عبرت».

شما اگر از جاده ای عبور کردید و اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده؛ مچاله شده و سرنشینانش نابود شده اند، می ایستید و نگاه می کنید، برای اینکه عبرت بگیرید. معلوم شود که چطور سرعتی، چطور حرکتی و چگونه رانندگی ای، به این وضعیت منتهی می شود. این هم نوع دیگری از درس است؛ اما درس از راه عبرت گیری است. اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجه می کند، این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر صلی الله علیه و آله، جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین علیه السلام، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، این فداکاری را بکند؟ چه شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها، کارشان به جایی رسد و آن قدر از اسلام دور شدند که کسی مثل یزید بر آنها حکومت می کرد؟! وضعی پیش آمد که کسی مثل حسین بن علی علیه السلام، دید که چاره ای جز این فداکاری عظیم ندارد. چه شد که به چنین مرحله ای رسیدند؟ این، آن عبرت است.

اولین درس بزرگ عاشورا، درس فدا شدن در راه دین و در راه خداست، حتی در سخت ترین شرایط. این روشن ترین درس

عاشورا است. حسین بن علی علیه السلام به همه ی مسلمانان بلکه به همه ی آزادگان عالم و لو غیر مسلمان، این درس را داد که اگر شرف انسان، آزادی انسان و آرمان های انسان و برای مسلمانان، دین آنان در معرض خطر قرار گرفت، دفاع از دین در سخت ترین شرایط و با سخت ترین مقدمات یک فریضه ی اسلامی و یک فریضه ی انسانی است. نگویند شرائط دشوار است، نگویند نمی شود؛ می شود. از دین همیشه می شود دفاع کرد، با اراده ی راسخ و با روح فداکاری و شهادت طلبی. اسلام آن قدر عزیز است که مثل پیغمبری هم برایش شهید می شود؛ مثل امام حسینی هم شهید می شود. البته همه این را نمی فهمند؛ همه این ایمان و آمادگی را ندارند.

### سرمشق مقاومت

عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت اَبی عبدالله علیه السلام با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی

کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهید شدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت حضرت اُبی عبدالله علیه السلام وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه. درس مقاومت حسین بن علی علیه السلام، درس فراموش نشدنی است.

### **افزایش معرفت و شناخت**

فهمیدن قضیه عاشورا فقط در تاریخ نیست؛ در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل دهنده ی هویت یزیدی کجا پیدا می شود، آنگاه در مقابلش باید عناصر تشکیل دهنده ی هویت حسینی را به میدان آورد. پس معرفت و شناخت می خواهد. از جمله مهم ترین کارهای هیئت ها و جلسه ها و عزاداری ها، تبیین این مسئله است. البته وظایف مهم دیگرشان، تبیین قرآن و دین و همان معارفی است که امام حسین علیه السلام فدای آن شد.

### **خطر میکروب ها**

عبرت ماجرای امام حسین علیه السلام این است که انسان فکر کند تاریخ و جامعه اسلامی، آن هم جامعه ای که در رأس آن، شخصی مثل پیامبر خدا- نه یک پسر معمولی - قرار دارد، چه حادثه ای اتفاق افتاده و چه میکروبی وارد کالبد این جامعه شده است که بعد از گذشت

نیم قرن از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و بیست سال از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، در همین جامعه و میان همین مردم، کسی مثل حسین بن علی علیه السلام را به آن وضع به شهادت برسانند؟ چه اتفاقی افتاد و چه طور چنین واقعه ای ممکن است رخ دهد؟

**خطر تهی شدن جامعه از ارزش ها اگر مراقبت نباشد، آن وقت جامعه همین طور به تدریج از ارزش ها تهی می شود و به نقطه ای می رسد که فقط یک پوسته ظاهری باقی می ماند. ناگهان یک امتحان بزرگ پیش می آید - [مثل] امتحان قیام اُبی عبد الله - آن وقت این جامعه در این امتحان مردود می شود.**

### **نترسیدن از غربت**

غربت شما را نترساند و به وحشت نیندازد. قله ی غربت را حسین بن علی علیه السلام و یارانش پیمودند و فایده اش این شد که امروز اسلام زنده است و حادثه کربلا نه فقط در قطعه زمینی کوچک، بلکه در منطقه عظیمی از محیط زیست بشر امروز زنده است. کربلا همه جا هست؛ در ادبیات، در فرهنگ، در سنت ها، در اعتقادات و در میان دل ها. آنکه در مقابل خدا سجده نمی کند، در مقابل عظمت حسین بن علی علیه السلام سر فرود می آورد. آن غربت، امروز این نتیجه را دارد.

به نظر من این پیام عاشورا، از درس‌ها و پیام‌های دیگر عاشورا برای امروز ما فوری‌تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین بن علی علیه السلام، آقازاده‌ی اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین، پسر علی بن ابی طالب علیه السلام، در همان شهری که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می‌نشست، سر بریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! از همان

شهر آدم‌هایی به کربلا آمدند، او و اصحاب او را با لب تشنه به شهادت رساندند و حرم امیر المؤمنین علیه السلام را به اسارت گرفتند!

قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (1). دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا - که مظهر آن نماز است - فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم: «وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ دنبال شهواتی ها رفتن؛ دنبال هوس ها رفتن و در یک جمله:

ص: 47

دنیاطلبی. به فکر جمع آوری ثروت، جمع آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. اینها را اصل دانستن و آرمان ها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ اینکه «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم

است که به این درد دچار خواهیم شد.

### حفظ روحیه ی انقلابی

وقتی امام علیه السلام بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسان ها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. اگر این ارزش ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می ماند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را - که هیچ چیز نمی خواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند

ص: 48

در انزوا انداختیم و آن آدم پُر روی افزون خواهِ پرتوقع بی صفای بی معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد.

اگر در صدر اسلام فاصله بین رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت جگر گوشه اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه تر ممکن است بشود. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس، عبرت گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه گیر شود.

### **بصیرت و روشن بینی**

عاشورا نشان می دهد که جبهه دشمن با همه توانایی های ظاهری، بسیار آسیب پذیر است؛ همچنان که جبهه بنی امیه، به وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید و بالأخره هم این ماجرا، به فنای جبهه سفیانی منتهی شد. درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت ها فریب می خورند. بی بصیرت ها در جبهه باطل قرار می گیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند. اینها درس های زندگی سازی است.



درس عاشورا، شناختن دشمن است؛ غافل نشدن از دشمن، فریب نخوردن از ترفندهای

دشمن. خیلی‌ها بودند آن روز که ظواهر آنها را کور کرده بود و نمی‌توانستند باطن امر را ببینند، خیلی‌ها بودند که خیال می‌کردند باید در مقابل آن وضع ساکت بمانند، چون خیال می‌کردند علی‌الظاهر دین محفوظ است. حسین بن علی علیه‌السلام دشمن را در لا به لای این ظواهر شناخت، دشمن شناسی چیز مهمی است، اشتباه نکردن در شناخت دشمن. این هوشیاری، درس بزرگ حسین بن علی علیه‌السلام است.

### پیروی از رهبر

پیام عاشورا تبعیت مطلق از رهبر است، هر چه رهبر گفت؛ کلمه به کلمه و مو به مو در حوادث و وقایع با اشاره‌ی مقام مقدس رهبری، در مقابل رهبر تسلیم بودن. کدام رهبر؟ آن رهبری که انسان آگاهانه او را انتخاب کرده و به او ایمان آورده، این رهبر است. لذا شما امروز در زیارت ائمه‌علیهم‌السلام هم می‌خوانید: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمُ وَ حَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكُم». در مقابل کسانی که با شما می‌جنگند در جنگم، اما با کسانی که نسبت با شما سیدلمند و تسلیمند، من هم با آنها سلیم و تسلیمم. رهبر اسلامی معنایش همین است که با نفوذ در دلها و با حاکمیت بر جانها، اداره‌ی حقیقی جامعه‌ی اسلامی را انجام بدهد.

محرم چند چیز را به محرم شناس ها نشان داد و ثابت کرد. یکی این که به همه مسلمانان عالم و به آن هایی که توانستند درس محرم را بفهمند، نشان داد که برای دفاع از اسلام و قرآن، هر کسی در هر شأن و مقامی، باید از جان خود بگذرد. مسلمانی که ادعای طرفداری از اسلام می کند، اما در راه دفاع از اسلام حاضر نیست سیلی بخورد؛ حاضر نیست برای دفاع از قرآن، مصالح شخصی خود را قربانی کند، نمیتواند ادعا کند مسلمان واقعی است.

### درس حرکت و قیام

حسین بن علی علیه السلام با این حرکت عظیم، این درس را به انسان ها داد: هر وقت حق دچار آن چنان وضعیت دردناک و وخیمی شود، طرفداران حق اگرچه در مقابل دریایی از دشمن هستند، باید قیام کنند. حرکت امام حسین علیه السلام، حرکت آموزنده بود؛ می خواست یاد بدهد و به همه دنیا بفهماند وقتی شرایط این گونه است که ظلم حکومت می کند، قرآن مهجور می ماند، افرادی در رأس حکومت قرار می گیرند که از خدا و از دین بیگانه اند و قطار منظم دین از خط خارج شده است، باید هر کسی که حسین علیه السلام را امام می داند، بلکه هر کسی که پیغمبر صلی الله علیه و آله را پیغمبر می داند، قیام کند.

ببینید نیاز لحظه چیست؛ هنر، این است. در عالم اسلام، هزاران نفر بودند که حسین بن علی علیه السلام پدر حسین بن علی علیه السلام و مادر حسین بن علی علیه السلام و خاندان آنها را دوست داشتند و حاضر بودند که در رکاب امام حسین و در کنار آن حضرت، کار و تلاش کنند. همچنین یزید و یزیدیان و همه کسانی را که در ماجرای کربلا شرکت داشتند، دشمن می داشتند؛ اما آنها «حبيب بن مظاهر» نشدند، «زهیر» نشدند، آن غلام تازه مسلمان نشدند، و در میان بنی هاشم، «علی اکبر» و «ابوالفضل» نشدند. چرا؟ چون در لحظه نیاز، حضور پیدا نکردند. آن وقتی که دین به من احتیاج دارد، اگر من نیاز آن وقت را نشناسم و به آن نیاز پاسخ ندهم، چه فایده که خودم را آماده و مستعد کمک برای دین بدانم؟

## درس اقدام و نهرا سیدن

ماجرای عاشورا هم درس است؛ درس اقدام و نهرا سیدن از خطرات و وارد شدن در میدان های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده ی حسین بن علی علیه السلام بر می آمد؛ از عهده ی دیگری بر نمی آمد و بر نمی آید؛ لیکن در دامنه ی آن قله ی بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقشه ای گوناگونی هست که من و شما می توانیم انجام بدهیم.

پرونده ی ویژه 5

اشاره

ص: 53

ما یک بخشی از یک سلسله تاریخی هستیم. نسب ما، نسب ملت ما به حسین بن علی لیه السلام می رسد؛ به رسول خدا و به همه انبیای الهی می رسد؛ ما دنباله آنها هستیم. ملت امروز ایران را تنها و مجرد و مقطعی نباید نگاه کرد؛ با این دید کلی باید نگاه کرد. ما دنباله رو همان پرچمداران و رهبران هستیم. حسین بن علی علیه السلام برای بقای اسلام قیام

کرد و یزید و یزیدیان می خواستند اسلام نباشد. امروز می بینید اسلام با عظمت و وسعت در سطح جهان وجود دارد و یک حکومت و نظام مقتدر و نیرومند مثل نظام جمهوری اسلامی بر پایه های اسلام بنا شده؛ این بر اثر زحمات حسین بن علی علیه السلام است.

### هدف مشترک قیام

کاری که در زمان امام حسین علیه السلام انجام گرفت، نسخه کوچکش هم در زمان ما انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است؛ فرقی نمی کند. هدف امام حسین علیه السلام با امام بزرگوار ما یکی بود. این مطلب اساس معارف حسین علیه السلام

است و خود یکی از پایه های اسلام است. هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح.

## انقلاب؛ دنباله قیام عاشورا

انقلاب ما دنباله همان حرکت است. شیعیان امام حسین علیه السلام در این روزگار توانستند این انقلاب بزرگ را انجام دهند و به پیروزی برسانند و نظام و حکومتی بر اساس اسلام به وجود بیاورند؛ این از برکات حسین بن علی علیه السلام است.

## کربلا؛ روح نهضت انقلاب ایران

روح نهضت ما و جهت گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین توجه به حضرت اُبی عبدالله علیه السلام و مسائل مربوط به عاشورا بود. هیچ فکری - حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد - نمی توانست توده های عظیم میلیونی مردم را آن چنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می کردند، در انواع فداکاری ذره ای تردید نداشته باشند. اساساً مادامی که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک - آن هم در حد بالا - به ایمان کارایی می بخشد. بدون محبت نمی شد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت - یعنی محبت به اهل بیت علیهم السلام - در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسأله کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گران بهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است.

ص: 55

## نقش ماندگار کربلا

آن چیزی که در انقلاب ما تعیین کننده بود، مسئله عاشورا بود. قضیه عاشورا توانست انقلاب ما را به پیروزی برساند. برکت خون حسین بن علی علیه السلام و ماجرای عظیم عاشورا با آن مجاهدت و فداکاری بزرگ، در طول زمان، امت اسلامی را زنده کرد و در دوره ما یک چنین جست عظیم و اوج بلندی را از اسلام به وجود بیاورد.

## خط مبارزه

«ما راه مبارزه را از حسین بن علی علیه السلام یاد گرفتیم». انقلاب خود ما یکی از همین مثال هاست. مردم ما از حسین بن علی علیه السلام یاد گرفتند؛ فهمیدند که کشته شدن، دلیل مغلوب شدن نیست؛ فهمیدند که در مقابل دشمن علی الظاهر مسلط، عقب نشینی، موجب بدبختی و روسیاهی است.

## کربلا؛ سر مشق همیشگی

کربلا- الگوی همیشگی ماست. کربلا مثالی است برای این که در مقابل عظمت دشمن، انسان نباید دچار تردید شود. این یک الگوی امتحان شده است. ملت ایران بحمدالله امروز راه حسین علیه السلام را آزمایش کرده است و با سربلندی و عظمت، در میان ملت های اسلام و ملتهای جهان حضور دارد.

ما امروز به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام

را به وجود آورده ایم. اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین علیه السلام و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می رسید. این، عامل فوق العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی علیه السلام قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.

### کربلا؛ الهام بخش حرکت

انقلاب ما از این حادثه الهام گرفت و به وسیله این حادثه رهنمون شد. حقیقت این است که ما انقلابمان را از برکات و از رشدها حادثه عاشورا می بینیم. بعد از پیروزی انقلاب نیز آنچه ما را در برخورد با قدرت های جهانی و در برخورد با سیاست های سرکوبگر و مخرب عمل کردیم، از قیام حسین بن علی علیه السلام الهام گرفتیم. جوان های ما به عشق حسین علیه السلام و با یاد حسین علیه السلام در میدان های جنگ حاضر شدند و انقلاب با این دشواری ها و ناهمواری ها، تا امروز پیش آمده است.



## طوفان ماندگار؛ از کربلا تا ایران

این طوفان ماندگار در تاریخ که همیشه کاخ های ظلم از آن ترسیده اند و مغلوب آن شده اند، همیشه در مقاطع گوناگون تاریخی، هر جا درست سر بلند کرده، کاری کرده است شبیه کاری که در آن روز انجام داد؛ مثل انقلاب ما. در زمان ما با درایت امام بزرگوار، این حادثه توانست پیش از پیروزی انقلاب، ناگهان مثل همان طوفان اول بار در جامعه ظهور کند.

### بر افراشتن پرچم شوکت و عزت

با گذشت سیزده، چهارده قرن، نام حسین بن علی علیه السلام پرچم عدالت و فضیلت های معنوی است و همین نام توانسته است این انقلاب را به وجود بیاورد. این انقلاب توانست پرچم شوکت و عزت را سر پا کند. این را از حسین بن علی علیه السلام الهام گرفت و مظهر تجدید حیات اسلام شد.

### مقاومت در برابر قدرت های شیطانی

چیزی که ما از معانی بی شمار این حوادث می توانیم امروز برای پیشرفت انقلابمان استفاده کنیم، چند نکته است. یک نکته این است که مقاومت در برابر قدرت های شیطانی، زمان و مکان و قشر معینی از جامعه و شرایط گوناگون اجتماعی و جهانی نمی شناسد.

این همان رازی است که به سبب عدم توجه به آن، خیلی ها در گذشته و در تاریخ ما دچار سازش کاری و محافظه کاری و عقب نشینی در برابر قدرت ها شدند؛ چون این راز را نمی شناختند.

## **امامت آری؛ سلطنت خیر**

کاری که امام حسین علیه السلام می خواست به انسان ها یاد بدهد، در یک جمله همان چیزی است که در نظام جمهوری اسلامی، زمان شما مسلمانان این روزگار، تحقق پیدا کرد. نظامی که در رأس آن، مقام امامت است، نه مقام سلطنت. امام حسین علیه السلام می خواست به انسان های زمان خودش و به انسان های دوران تاریخ اعلام کند که وقتی چنین نظامی در جامعه نیست، باید برای ایجاد این نظام قیام کرد؛ چه این قیام به حکومت و موفقیت منتهی بشود و چه به شهادت.

## **مقاومت آگاهانه**

مقاومت می تواند قدرت های استکباری را به زانو درآورد؛ چنانکه مقاومت امام و مقاومت

ملت ایران پیش از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب توانست قدرت های استکباری را به زانو در بیاورد. این مقاومت آگاهانه، درس عمومی است. معلم بزرگ این مقاومت آگاهانه، حسین بن علی علیه السلام است.

ص: 59

## انقلاب، پاسخ به «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ» حسین علیه السلام

استنصار و یاری طلبیدن حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا، آن روز جوابی نشنید، آن روز حسین علیه السلام گفت: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»، اما هیچ کس در این آفاق نبود که در آن میدان، پاسخ مثبت به حسین علیه السلام بگوید.

این حسین بن علی علیه السلام با آن دیده ی نافذ و واقع بین، سینه ها را می شکافت، فاصله زمان را می شکافت، این ملت عاشق خود را می بیند... امروز این حرکت شما، این اقدام شما، یعنی آمدیم به استنصار حسین بن علی علیه السلام.

## عاشورا؛ انگیزه ی حرکت و تلاش انقلابی

اگر پیام امام حسین علیه السلام را زنده نگه می داریم، اگر نام امام حسین علیه السلام را بزرگ می شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می دانیم و بر آن ارج می نهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره ی

امام حسین علیه السلام را تعقیب کنیم و به لطف خدا، به آن هدف ها برسیم و ملت ایران انشاءالله خواهد رسید.





متن کتاب حاضر، برگرفته از کتاب «آفتاب در مصاف» است که مجموعه ای از بیانات و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای حَفِظَهُ اللهُ دَرَبَارِهِ اَمَامِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقِيَامِ كَرْبَلَا اسْت.

خواننده گرامی؛ پیش از پاسخ به سؤالات مسابقه بزرگ «رسم الخط کربلا» به نکات زیر توجه فرمایید:

1. منبع سؤالات طرح شده از کتاب «رسم الخط کربلا» می باشد و طبق مطالب کتاب تصحیح خواهد شد.
2. به برندگان مسابقه به قید قرعه جوایز ارزشمندی اعطا خواهد شد.
3. شرکت برای عموم علاقه مندان بالای 12 سال آزاد است.
4. شماره گزینه های صحیح را در قالب یک عدد 20 رقمی از چپ به راست، به سامانه پیامکی ما به شماره 30001966 ارسال فرمایید.
5. مهلت ارسال پاسخنامه حداکثر تا تاریخ 1396/08/20 می باشد و اسامی برگزیدگان در تاریخ 1396/08/20 در سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir) و نیز سایت مرکز فرهنگی پژوهشی به نشانی [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir) اعلام خواهد شد.
6. برندگان، دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را از طریق سامانه پیامکی ارسال نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد.

1- تعبیر «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ الْجَاهِ» از کیست؟

1. امیرالمؤمنین علیه السلام

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

3. امام حسن علیه السلام

4. حضرت فاطمه علیها السلام

2- دو وجهه ی شخصیت در خشان امام حسین علیه السلام کدامند؟

1. جهاد و شهادت

2. بُعد معنوی و عرفانی

3. قیام و حرکت

4. گزینه 1 و 2

3- در آثار اسلامی، تعبیر «ثارالله» درباره چه کسانی بیان شده است؟

1. امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام

2. امام حسن و امام حسین علیهما السلام

3. امام حسین و حضرت زهرا علیهما السلام

4. همه موارد

4- کدام گزینه جزء دلایل قیام سیدالشهدا علیه السلام است؟

1. اصلاح و ریشه کنی فساد

2. برافراشتن پرچم های دین

3. بیدارگری وجدان ها

4. همه موارد



5- کدام گزینه از دستاوردهای قیام امام حسین علیه السلام است؟

1. بیمه دائمی دین

2. نقطه آغاز حرکت ها

3. حفظ ارزش ها

4. همه موارد

6- اولین و روشن ترین درس عاشورا چیست؟

1. قیام در برابر فساد

2. سرمشق گرفتن از حوادث تاریخی

3. درس فدا شدن در راه دین و در راه خدا

4. هر سه مورد

7- کدام جمله صحیح است؟

1. اسلام آنقدر عزیز است که مثل پیغمبر و امام حسین هم برایش شهید می شود.

2. حادثه عاشورا، حادثه تاریخی صرف نبود.

3. دفاع از دین، یک فریضه ی اسلامی و انسانی است.

4. همه موارد

ص: 66

8- سه عنصر اصلی حرکت أباعبدالله کدامند؟

1. عنصر منطق و عقل

2. عنصر حماسه و عزت

3. عنصر عاطفه

4. همه موارد

9- دشمن شناسی، زیرمجموعه کدام عنوان است؟

1. عبرت های عاشورا

2. درس های عاشورا

3. الگوپذیری و سرمشق گیری

4. همه موارد

10- دعای مشهور عرفه از کیست؟

1. امام حسین علیه السلام

2. امام سجاد علیه السلام

3. امام علی علیه السلام

4. هیچکدام

11- در کنار محبت و ارادت به سیدالشهدا علیه السلام، وظیفه و هنر شیعیان و پیروان حضرت چیست؟

1. زمان شناسی و شناخت نیاز لحظه

2. حرکت و قیام

3. قربانی شدن به پای ارزش ها بصیرت و روشن بینی

ص: 67

12- نتیجه و پیامد عقب نشینی در مقابل دشمن علی الظاهر مسلط چیست؟

1. ذلت و خواری

2. بدبختی و روسیاهی

3. زوال و نابودی

4. همه موارد

13- هدف مشترک قیام امام حسین علیه السلام و امام خمینی رحمه الله علیه چه بود؟

1. اصلاح امور جامعه

2. بنای حکومت دینی

3. بازگرداندن جامعه به خط صحیح

4. ترویج قرآن و معارف دینی

14- بهره مندی از کدام عامل آموزنده عاشورا، باعث پیشرفت انقلاب می شود؟

1. مقاومت در برابر قدرت های شیطانی

2. تکیه بر توان داخلی

3. توکل حقیقی به خداوند

4. بصیرت و شناخت زمان

ص: 68

15- با توجه به متن کتاب، پیام عاشورا چیست؟

1. جلوگیری از انحراف جامعه

2. بصیرت و روشن بینی

3. تبعیت مطلق از رهبر

4. دشمن شناسی

16- کدام عامل باعث به زانو درآمدن و شکست استکبار می شود؟

1. الهام گرفتن از حادثه عاشورا

2. مقاومت آگاهانه

3. اقتدای حقیقی به سیدالشهدا علیه السلام

4. تبعیت از رهبر

17- سه صفت برجسته امام حسین علیه السلام کدامند؟

1. توکل، اقامه نماز، بصیرت

2. اعتماد به خدا، اقامه نماز، زمان شناسی

3. اخلاص، توکل، بصیرت

4. اخلاص، اعتماد به خدا، زمان شناسی

ص: 69

18- از دیدگاه قرآن، عوامل اصلی انحراف و گمراهی جامعه چیست؟

1. دور شدن از ذکر خدا

2. دنبال شهوترانی و هوس ها رفتن

3. فراموش کردن خدا و معنویت

4. همه موارد

19- کدام عنوان برای جمله «نگاه به اعماق و ریزه کاری های تاریخ و حوادث» صحیح است؟

1. درس

2. عبرت

3. درس و پیام

4. هیچکدام

20- لازمه و شرط کارآیی ایمان چیست؟

1. پیوند عاطفی

2. محبت و عشق عمیق

3. قیام و اقدام

4. گزینه 1 و 2

ص: 70

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

